



کشتگان خیابان‌های تهران

ابوالفضل نیکوکار، معاون اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم دادگستری تهران گفته است که در سال ۱۴۰۱ در شهر تهران تعداد ۵۴۰ نفر و در سال ۱۴۰۲ تعداد ۶۲۴ نفر در اثر تصادفات ناشی از رانندگی فوت کردند که این آمار حکایت از افزایش ۱۶ درصدی متوفیان دارد. او ادامه داد: «در فروردین ماه سال ۱۴۰۲ تعداد ۵۲ نفر و در فروردینماه سال جاری تعداد ۵۵ نفر از شهروندان در شهر تهران بر اثر رانندگی فوت شده‌اند.» نیکوکار گفت: «در ماده ۳ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، تهیه و نصب و نگهداری تجهیزات الکترونیکی از قبیل عکس برداری، فیلمبرداری و سامانه‌های ماهواره‌ای و نظایر آن جهت ثبت و کنترل عبور و مرور در شهرها را به عهده شهرداری‌ها قرار داده است، ضرورت دارد شهرداری تهران در به‌روزرسانی، تعمیر و نگهداری این نوع تجهیزات کوشا باشد. به استناد ماده ۲۸ قانون رسیدگی به تخلفات رانندگی، راهنمایی و رانندگی مکلف است امکان دسترسی رانندگان و مالکان به صورت وضعیت وسایل نقلیه را از طریق شبکه‌های تلفن یا تلفن گویا فراهم سازد و از طریق پست یا سامانه‌های الکترونیکی و مخابراتی سالانه به مالکان وسایل نقلیه صورت وضعیت تخلفات و عنوان جرائم وسیله نقلیه متعلق به آن‌ها را اعلام کند.»



تشدید بارش در ۱۷ استان

سازمان هواشناسی نسبت به تشدید بارش در ۱۷ استان و احتمال وقوع سیلاب، همچنین وزش باد نسبتاً شدید تا شدید در هفت استان هشدار داد. به گزارش ایسنا، سازمان هواشناسی با صدور هشدار نارنجی رنگ با اشاره به تشدید فعالیت سامانه بارشی به همراه ناپایداری‌های محلی آورده است: «سه‌شنبه (اول خردادماه) در اردبیل، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، زنجان، البرز، قزوین، تهران، گیلان، مازندران، دامنه و ارتفاعات استان‌های کردستان، گلستان و سمنان، شمال مرکزی، نیمه شمالی همدان و نیمه غربی قم و چهارشنبه (۲ خردادماه) در اردبیل، گیلان، مازندران، گلستان، آذربایجان شرقی، آذربایجان غربی، کردستان، زنجان، همدان، مرکزی، تهران، البرز، قزوین، غرب قم، شمال غرب اصفهان و نیمه شمالی استان‌های خراسان شمالی و سمنان پیش‌بینی می‌شود.»

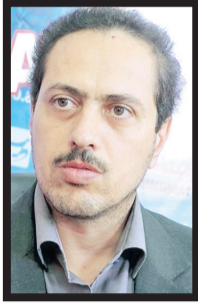


روند کاهش نرخ باروری

یک جمعیت‌شناس یکی از دلایل کاهش تعداد موالید را ناشی از کاهش جمعیت در معرض ازدواج اعلام کرد. شهلا کاظمی‌پور در این باره گفت: «با کاهش تعداد موالید در دوهه ۷۰ و ۸۰، اکنون تعداد جوانان در سن ازدواج نیز کاهش یافته است. آمارها نیز گواه همین امر است؛ در سال ۱۳۸۵، ۸۹۰ هزار ازدواج در کشور به ثبت رسید که به‌مرور این رقم به ثبت ۷۰۰ هزار ازدواج طی سال گذشته نیز به کمتر از ۵۰۰ هزار ازدواج در کشور رسیده است، بالطبع با کاهش تعداد افراد در معرض ازدواج، تعداد فرزندان ناشی از آنها هم بدون تغییر باروری کاهش می‌یابد؛ بنابراین یکی از دلایل کاهش موالید در ایران بحث «ساختاری» است.» به گزارش ایسنا او ادامه داد: «آمارهای سازمان ثبت‌احوال نشان‌دهنده کاهش تعداد ولادت‌هاست، به‌گونه‌ای که در سال ۱۴۰۰، یک میلیون و ۱۱۷ هزار تولد، در سال ۱۴۰۱ یک میلیون و ۷۲ هزار تولد و در سال ۱۴۰۲ یک میلیون و ۵۲ هزار تولد ثبت شده است.»

گروه جامعه: ۱۷ ساعت جست‌وجو، دلبره و برزخی میان امید و ناامیدی. کوه‌های سبز و باران زده و تپه‌های مه‌آلود «دیزمار»، جایی میان روستای اوزی و پیرداوود، در دل منطقه جلفای آذربایجان شرقی، ۱۵ ساعت پرتاب و تاب را گذرانند تا دست آخر پیکر ۹ نفر را روی دست ایرانی‌ها بگذارند؛ رئیس دولت سیزدهم و همراهانش. یک هیئت بلندمرتبه که کوه‌های سبز و باران زده و تپه‌های مه‌آلود «دیزمار» محل شهادت‌شان شد.

روایت آنچه را از ظهر یکشنبه تا دوشنبه ۳۱ اردیبهشت‌ماه ۱۴۰۳ گذشت، شاید بعدها در روایات تاریخی سرزمین پرتاب و تاب ایران بنویسند؛ روایت ۱۷ ساعت جست‌وجو برای پیدا کردن بالگردی که قرار بود رئیس جمهوری، وزیر امور خارجه، استاندار آذربایجان شرقی، امام جمعه تبریز و ۵ نفر دیگر را به مقصد برساند اما در اویل راه ناکام شد و به زمین افتاد. مردم محلی اول از همه صدای انفجار را شنیدند اما فکر کردند یکی از صداهای همیشگی معدن مس «سونگون» در همان نزدیکی است؛ معدنی که قرار بود ساختمان‌هایش ساعت‌ها بعد، محل استقرار نیروهای امدادی شوند.



خبر هنوز به همه ایران نرسیده بود که تیم‌های امدادی و جست‌وجو واکنش سریع به سمت منطقه سقوط به راه افتادند؛ چیزی حدود ۲۴۰ تیم. تا بیا بد صبح و لانه بالگرد و پیکر شهید پیدا شوند، تعداد زیادی از ایرانی‌ها چشم‌برهم‌بگذاشتند و بعد، تیم‌های جست‌وجو آنقدر گشتند تا توانستند با کمک پهپادها به محل حادثه برسند. کوه‌های پیرداوود بعد از ساعت‌ها چشم‌انظاری، پیکر شهید را پس داد. امدادگران هلال احمر، تکاوران ارتش، نیروهای سپاه و مردم محلی، در مسیر بازگشت مجبور شدند دست‌به‌دست هم دهند تا بتوانند پیکرها را از شیب تند کوهستان بالا بیاورند؛ در اوج خستگی و امیدگی که ناامید شده بود. مهدی خدایی، مسئول تیم امداد و نجات کوهستان جمعیت هلال احمر آذربایجان شرقی یکی از آنها بود؛ نجاتگر داوطلب و مسئول تیم امداد و نجات کوهستان جمعیت هلال احمر آذربایجان غربی. او از ساعت ۲ ظهر روز یکشنبه تا ساعت ۷ صبح روز دوشنبه، یعنی حدود ۱۷ ساعت در محل حضور داشته و جزو اولین تیم امدادی بود که به محل سقوط هلی کوپتر حادثه دیده رسید: «پس از نزدیک به ۵۶ دقیقه، در قالب چند تیم امدادی حدود ساعت دومین ظهر روز یکشنبه به محل حادثه رسیدیم، شرایط آب و هوایی بسیار نامناسب بود، مه شدیدی در منطقه دیده می‌شد و زمین گل‌آلود بود که مجموعه این اتفاقات، روند عملیات را کند کرده بود. در کنار همه اینها هم به‌دلیل ابعاد سیاسی ماجرا و حساسیت‌های زیاد، امداد رسانی بسیار سخت شده بود. در نهایت هم پس از اینکه برای دو، سه ساعت مه کم‌شد، تیم‌های امدادی توانستند به محل سقوط هلی کوپتر برسند و پیکرها را ببینند.» به گفته خدایی، حدود ۱۸ ساعت پس از وقوع حادثه تیم‌های امدادی توانستند به منطقه برسند که در مجموع با در نظر گرفتن زمان انتقال پیکرها، کل عملیات از ابتدا تا انتها، حدود ۲۰ ساعت زمان برد.

اهالی منطقه: صدای بالگرد قبل از سقوط، عادی نبود

اطلاعات غلط، حضور افراد ناشناس و کمک نگرقتن از اهالی محلی روند امداد و نجات را کند کرد

این نجاتگر که ۲۸ سال سابقه امداد رسانی در حوادث دارد و تاکنون در حوادث بسیاری از جمله دو سقوط هلی کوپتر و یک سقوط هواپیمای تهران-یاسوج حضور داشته، در گفت‌وگو با «هم‌میهن» می‌گوید که این حادثه، به‌دلیل حضور چهره‌های سیاسی، وضعیت ویژه‌ای داشت و شرایط را برای کار سخت کرده بود. «بیش از ۵۰ تیم عملیاتی از استان آذربایجان شرقی و استان‌های همجوار به‌صورت تیم‌های ۵ نفره از تمام ارگان‌های امدادی و نظامی در منطقه حضور داشتند، اما منطقه از نظر پوشش گیاهی و جانوری بسیار وضعیت پیچیده‌ای دارد، جنگل‌های ارسباران، محل زندگی حیوانات وحشی مثل خرس، گراز، گرگ، شغال و... است و در کنار همه اینها همیشه در وضعیت مه‌آلودگی و بارندگی قرار دارد. چندسسال پیش هم، یک



هلی کوپتر نظامی در این منطقه سقوط کرده بود که دلیل اصلی آن هم وجود مه‌شدید در این منطقه بود.»

این نجاتگر بدون اینکه ماجرای مفقود شدن چند امدادگر حین عملیات پیدا کردن هلی کوپتر را تایید یا رد کند، می‌گوید که شرایط منطقه برای خود امدادگران هم خطرناک بود: «من هم خبر مفقود شدن چند امدادگر را شنیدم اما نمی‌توانم صحتش را تایید کنم، به هر حال منطقه مه‌آلود و جنگلی است و هر چقدر به سمت غروب و تاریکی هوا می‌رفت، این احتمال وجود داشت که افراد مسیر را گم کنند، البته تمام امدادگران به تجهیزات ناوبری مجهز بودند، چه با دستگاه‌های مخصوص و چه با گوشی‌هایشان. به هر حال به‌دلیل پوشش گیاهی، وجود حیوانات وحشی و گل‌آلود بودن منطقه، وضعیت برای حضور امدادگران هم خطرناک بود و ممکن بود در پرتگاه‌ها سقوط کنند.» او درباره اینکه گفته شد کارگران معدن مس سونگون برای امداد رسانی وارد عمل شده بودند، با تایید این ماجرا توضیح می‌دهد: «کارگران این معدن حمایت و پشتیبانی زیادی کردند، یک ایستگاه پمپ بنزین دارند که برای خودروهای امدادی مورد استفاده قرار گرفت، آنها همچنین مواد غذایی به امدادگران رساندند و نیروی انسانی و خودرو در اختیارمان قرار دادند.» خدایی، جزو امدادگرانی است که در لحظات اولیه در کنار لانه هلی کوپتر حاضر شد: «حدود ساعت ۷ و ۵ دقیقه صبح دوشنبه، به لانه هواپیمار رسیدیم، پیکرها هم در کنار هلی کوپتر بودند، یعنی به فاصله دورتری نیفتاده بودند. اغلب هم دچار سوختگی شده بودند. پیکرها بعد از پیدا شدن، در کیسه جسد قرار گرفتند و با بسکت به‌صورت زمینی به محل منتقل شدند. حتی زمانی که پیکرها در حال انتقال بودند هم منطقه مه‌آلود بود.» به گفته او، محل قرارگیری هلی کوپتر حادثه‌دیده، از طریق نیروهای موتورسی‌محلی و پهپاد‌هایی که فرستاده شده بود، شناسایی شد: «از ابتدا مشخص نبود که هلی کوپتر کجا سقوط کرده، حتی اگر دود ناشی از آتش‌سوزی هم بلند شده باشد، باز هم به‌دلیل مه‌آلودگی منطقه، نمی‌شد آن را تشخیص داد. اصلاً امکان دید وجود نداشت، نزدیکترین روستا به محل حادثه، خونین‌رود بود. اهالی صدای کوبیده‌شدن در منطقه را شنیده بودند اما نمی‌دانستند چه اتفاقی افتاده است.» براساس اعلام این نجاتگر، منطقه از نیروهای امدادی خالی شده و تنها نیروهای نظامی برای بررسی حادثه در محل حضور دارند.

جست‌وجو نزدیک محل سقوط

اولین گزارش حادثه ساعت ۱۴ به هلال احمر ورزقان اعلام شد و چهار تیم امدادی از این شهرستان به مناطق نزدیک روستای اوزی اعزام شدند. غیر از آنها تیم‌هایی از ارتش، سپاه و نیروهای امدادی معدن مس سونگون هم در منطقه حضور داشتند و کم‌کم تیم‌های استانی و غیراستانی هم به آنها اضافه شدند. جست‌وجوی تیم‌های امدادی با پای پیاده در محدوده اعلام‌شده به نتیجه نرسید و مدتی بعد گزارشی دیگر مربوط به روستای خونین‌رود دریافت کردند، هم‌زمان با آنها پهپادها هم به منطقه رسیدند. هوای منطقه بارانی و به‌شدت مه‌آلود بود؛ سرتیم‌ها، اعضای تیم را تقسیم‌بندی کردند و همراه با یکی از اهالی یکی از روستاها که به منطقه آشنا بود، کار جست‌وجو با پای پیاده آغاز شد؛ یک عملیات طولانی ادامه‌دار. محدوده‌ای که آنها با تجهیزات انفرادی و در قالب یک تیم شامل اعضای از سپاه، مردم محلی و هلال احمر جست‌وجو کردند به محدوده سقوط بالگرد نزدیک بود.

عملیات جست‌وجوی این تیم‌ها نیمه‌های شب و تاروشنی آفتاب ادامه داشت. یکی از اعضای هلال احمر ورزقان تعریف می‌کند که ساعت ۶:۳۰ دقیقه روز ۳۱ اردیبهشت‌ماه، گزارشی از مختصات

محل سقوط هلی کوپتر دریافت کردند و حدود ساعت هفت به محل حادثه رسیدند: «زمانی که این گزارش اعلام شد، ما تقریباً در پنج کیلومتری منطقه سقوط بالگرد بودیم و تازه به این منطقه رسیده بودیم. ابتدا بال‌های بالگرد را دیدیم و بعد کم‌کم پایین‌تر رفتیم و سر صحنه رسیدیم.» تیم‌هایی از سپاه ارومیه و هلال احمر اولین گروهی بودند که به منطقه سقوط رسیدند و بعد باقی نیروها همراه با تجهیزات انتقال. کار انتقال پیکرها با پای پیاده حدود دو ساعت زمان برد تا امدادگران به محل حضور آمبولانس‌های هلال احمر و اورژانس رسیدند و پیکرها در نهایت به تبریز اعزام شدند.

روایت امدادگران مس سونگون

امدادگران معدن مس سونگون می‌گویند، حضور افراد ناشناس به منطقه و کمک نگرقتن از اهالی محلی موجب شد روند امداد و نجات کندتر شود. آنها به‌دلیل آشنا بودن به منطقه بعد از اعلام سقوط هلی کوپتر کار جست‌وجو را آغاز و به سمت جنگل‌های ارسباران حرکت می‌کنند؛ جایی که از نظر آب‌وهوایی خشن است و در این روزها مه‌آلودتر و بارانی‌تر است.

نوروز جباری، یکی از این امدادگران تعریف می‌کند کسانی که از شهرستان‌های دیگر مأمور شده بودند، اطلاع دادند که چندباری از داخل کابین هلی کوپتر تماس گرفته شده و مختصات دیگری دادند، اما این موضوع باعث شد که کار عملیات طول بکشد: «وضعیت آب‌وهوا باعث می‌شد عملیات امدادی به‌سختی پیش رود، ما به‌صورت خودجوش ساعت چهار بعد از ظهر همراه تیمی از مس سونگون برای جست‌وجو به منطقه رفتیم و محدوده جست‌وجوی ما هم نزدیک به محل سقوط هلی کوپتر بود؛ یعنی جایی بین روستای اوزی و خونین‌رود، بعد از مدتی مختصات دیگری اعلام و گفته شد که ظاهراً از داخل کابین تماس گرفته شده است و به منطقه دیگری اعزام شدیم، اما چیزی پیدا نکردیم و به محل معدن مس سونگون برگشتیم. صبح فردا که دوباره به منطقه اعزام شدیم، لانه هلی کوپتر به کمک پهپادها پیدا شده بود.»

معدن مس سونگون در آن ۱۷ ساعت ملتبه به پایگاه اصلی امداد رسانی تبدیل شده بود و مقامات و نیروهای امدادی در آن مستقر بودند. در این مدت همه پرسنل معدن برای کمک به روند امداد رسانی حضور داشتند و کسانی که دوره امداد و نجات دیده بودند، همراه گروه‌های دیگر به منطقه اعزام شدند. نیروهای امدادی این معدن می‌گویند اهالی روستاها صدای انفجار شنیده بودند و چند نفر از نیروها هم مسیر حرکت هلی کوپتر سوم را دیده بودند. آنها همین موضوع را در اختیار نیروهای امدادی قرار دادند و در نهایت هلی کوپتر در محدوده‌ای پیدا شد که آنها تخمین زده بودند. محمد عبداللهیان، مشاور مدیرعامل در ایمی معدن مس سونگون، همراه با اعضای دیگری از تیم ایمی این معدن هم برای جست‌وجو به مناطق صعب‌العبور ارسباران رفته بودند. او به هم‌میهن می‌گوید: «چند نفر از نیروهای مس سونگون می‌گفتند، دیدیم که سه هلی کوپتر رفت، اما دو تا برگشت. یکی از آنها صدای هلی کوپتر معمولی نمی‌داد. از آخرین لحظه‌های آن هم عکس گرفتیم و مسیری را که رفته بود، دیدیم.» مسیری که به‌دلیل مه‌شدید و بارش باران و برف، کاملاً گل‌آلود بود و خودروها به‌سختی امکان حرکت داشتند. جباری می‌گوید: «من در دو حادثه مشابه دیگر یعنی سقوط هواپیمای در کوه دنا و سقوط جنگنده اف‌۱۶ در سبلان هم حضور داشتم، اما این اتفاق اصلاً با آنها قابل مقایسه نیست؛ چون منطقه واقعاً خشن است. هواپیمایی که در دنا سقوط کرده بود، با وجود صعب‌العبور بودن منطقه، از دور قابل مشاهده بود، اما در این مورد کسی نمی‌دانست هلی کوپتر کجا سقوط کرده است.»



گفت‌وگویی هم‌میهن با امدادگران درباره ۱۵ ساعتی که به پیدا شدن بالگرد حامل رئیس جمهوری و همراهانش رسید

روایت یک امداد رسانی ناتمام

چند سال پیش هم یک بالگرد نظامی در این منطقه به دلیل وجود مه شدید سقوط کرده بود